

www.ketab.ir

کتابخانه
نشر نگاه معاصر

آموختن آزادی

بازخوانی فلسفه‌ی ریچارد سنتلی پیترز

کیوان بلندهمتان

آموختن آزادی

بازخوانی فلسفه‌ی ریچارد سنتلی پیترز

کیوان بلندهمتان

عضو هیأت علمی دانشگاه کردستان

کتابنامه

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر: س.ری: باسم رسام

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکاظمی)

لیتوگراف: نوید

چاپ و صحافی: فرنو

نوبت چاپ: یکم ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۱۰۰

قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۹۹۴۰-۹۴-۶

نشانی: تهران - مینی سیتی - شهرک، حالاتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی

تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پست الکترونیک: @mail.com negahe.moaser

سرشناسه

: بلندهمتان، کیوان، ۱۳۵۶ -

عنوان و نام پدیدآور : آموختن آزادی: بازخوانی فلسفه‌ی ریچارد سنتلی پیترز / کیوان بلندهمتان.

مشخصات نشر : تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۱۹۴ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک : 978-964-9940-94-6

وضعیت فهرست‌نویسی : فیا.

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : آزادی - فلسفه.

موضوع : Liberty - Philosophy

رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۶ ب ۸۲۸ / ۴ B۸۲۴

رده‌بندی دیویی : ۱۲۳/۵

شماره کتابشناسی ملی : ۵۰۳۹۷۶۸

فهرست

۷	□ سخنی با خوانندگان
۱۱	۱. آزادی و فرهیختگی
۲۷	۲. آزادی چونان رهایی
۶۹	۳. آزادی چونان خودگردانی
۸۵	۴. آزادی چونان فرزاندگی
۱۳۹	۵. آزادی چونان وارستگی
۱۶۵	۶. آزادی چونان خودفرمانی اخلاقی
۱۸۷	□ کتابنامه

سخنی با خوانندگان

ایرانیان سده‌ها است به خوگیر زبانی ناروشن و دویپهلوشده‌اند - ناروشنی‌ای که همچون پناهگاهی در برابر ساختارهای پراور اجتماعی - سیاسی بوده است. دست‌کم از آن هنگام که بیداد امویان و عباسیان بر ایران فراراند و سپس ترهم که ایران دستخوش تاخت و تاز ایللیاتی‌ها گردید و هرایل و ایالتی، یک کیس را دست آویز دزدی‌ها و کشتارهای خود گرداند، ایرانیان به ناچار در نهان‌کاری و نهان‌گویی ورزیده شدند و ندرن: اِشْتَرِ ذَهَبِكَ وَ ذَهَابِكَ وَ مَذْهَبِكَ» بر سر زبان‌ها افتاد. راهی برای نهان داشتن این سوسه، در زبان باورها و کیش‌ها، نبود مگر روی آوردن به زبانی ناروشن و رازگون؛ تا همواره راهی برای گریز بماند. راست است که آیین ایرانی، آیین آزر و جوانمردی بود و از برای دل میهمان یا هم‌سخن، سخن، پرداخته می‌شد و ده‌ها «اگر و شاید و آریه» بر سخن می‌زدند تا میهمانان دل‌آزوده نگردند ولی شاید آیین دین - پرده‌گویی‌ها، خود نشان از هراس نهان‌گوینده داشت؛ تا مبدا نابردباران که تاب سخن دیگران نداشتند، برآشفته شوند و بر کوره‌ی خشم توده بپزند. بسیار شنیده و خوانده‌ایم که هرازگاهی، دین‌پری زینرو، کین‌خواهانه، اندیشمندان را به چوب تکفیر رانده و مردمان ناآموخته و سیاست‌بازان دهن‌پس را برایشان شورانده است. این سان بسیاری، سخن به راز می‌گفتند و بازار زبان استعاره و مجاز و تمییز گرمی گرفت و خریدار یافت.

ناروشنی‌های زبان، ژرف‌اندیشی را دشوار می‌کند. هم از این رو است که فلسفیدن در ایران برای سده‌ها قافیه باخت و دیگر چندان جایگاهی در میان ما نیافت. تنها سوسوهایی از اندیشه‌های ابن عربی - صدرایی ماند که آن هم گرفتار زبانی فنی و دشواریاب بود؛ و گاه، خود، سرچشمه‌ی رازگونی گرفتار. در چنین هنگامه‌ای اگر کسی به فلسفه‌ی غربی می‌پرداخت بیشتر در پی آن‌هایی می‌رفت که با چنین پیشینه‌ای، کم یا بیش، سازگاری‌هایی داشت. در سیاهه‌ی چنین فلسفه‌هایی، بی‌گمان، فلسفه‌ی کانت و فلسفه‌های وفادار به رویکرد کانتی (مانند

نگرش‌های پراگماتیستی و فلسفه‌های تحلیلی) جایی نداشتند. در این میان، راستی را، زبان روشن و بی‌پرده‌ی فلسفه‌ی تحلیلی برای بسیاری هراس‌آور بود زیرا موشکافانه، از پنهان‌های خواسته و ناخواسته پرده برمی داشت. واکاوی‌های این فلسفه‌ها، به چشم بسیاری، ویرانگر بود. اگر از این داستان مردم‌فریبان را کنار بگذاریم، همانانی که نان‌شان در تاریکی و تاریک‌گویی است، دوستاران فلسفه هم بیشتر در کتاب‌های فلسفی در پی نگره‌هایی سازنده و راهماینده بودند نه کارهایی پیراینده و خسته‌کننده. پیراینده از آن رو که همواره کوشیده می‌شود معناها جدا گردند و سره از ناسره‌ی معنا نشان داده شود؛ و خسته‌کننده از آن رو که کار بیشتر نوشته‌های واکاونده، بر روی مفهوم‌ها در بستر زبان انگلیسی بود و در آن بافت معنا می‌داد نه در زمینه‌ی زبان تازی شده‌ی پارسی.

این بااست که در آشناسازی با چنین فلسفه‌هایی دشوار می‌گردد. شاید یک چاره آن باشد که به جای برگرداندن کارها و برای آغاز کار، نوشته‌های غربیان را در چارچوبی سازنده و راهماینده، چونان نگه‌ها پس یافته شده، آورد و خواند، کاری همچون کتاب‌های تاریخ فلسفه، ویلیام جیمز فیلسوف پراگماتیست امریکایی، در این باره گفتاری آموزنده دارد.

وی نخست گفتاوردی از هگل آورد: آماج دانش آن است که بیگانگی جهان بیرونی را زدوده و آن را همچون خانه‌ی خودمان بر ما آسنا سازد.^۲ به باور او، این نکته بیش از هر دانشی درباره‌ی فلسفه راست است. فلسفه در درون‌ی بودنش، خواسته تا جهان را چنان بر آدمی آشنا سازد که او را از آن ترسی و هراسی نماند. راستی را، یکی از شاخه‌های فلسفه و شاید بنیادی‌ترین آن، متافیزیک، کاری نداشت مگر این که نگاره‌ای از جهان را به سامان و سیمای یک هماد و پیکر بکشد.^۳ در این نگاه،

فلسفه، اندیشه‌هایی درباره‌ی چشم‌انداز جهان است - آن اصل‌های ره‌نگری که در بنیاد همه‌ی چیزها هست؛ آن سازه‌هایی که درباره‌ی خدایان و آدمی و جانوران و سنگ‌ها و فلزات و غیره است؛ نخستین از کجا^۴ و واپسین به کجای^۵ سرتاسر نکاپوی هستی؛ شرط‌های همه‌ی دانش و هنرهای بسیار فراگیر رفتار آدمی [...]. روشن گرداندن جهان در کل، و نه باز نمود ریزه‌کاری‌های آن، باید آماج فلسفه باشد.^۶

اگر چنین باشد آن‌گاه فلسفه از گیراترین و دل‌چسب‌ترین دانش‌ها خواهد بود. ولی چرا چنین نیست؟ جیمز در پاسخ می‌گوید که گناه‌کار و تاوان‌بار، زبان فلسفه است. او، تند و گزنده، از زبان فنی فلسفه گلایه داشته و می‌خواهد فیلسوفان بپذیرند که زبانی ساده را برای سخن فلسفی برگزینند. جیمز پذیرفته که

اندیشیدن، کاری حرفه‌ای نیست - تنها برای فیلسوفان یا اندیشمندان حرفه‌ای. بهترین فیلسوف کسی است که بس ساده می‌اندیشد... فلسفه چیزی نیست مگر اندیشیدن خوب و روشمند.^۷

ولی فیلسوفان گاه گرفتار بازی حرفه‌ای می‌شوند. این بازی، هنجارهای ویژه‌ی خود دارد - دشوارنویسی شرطی پایه است؛ جیمز می‌گوید آن‌ها تنها برای یکدیگر می‌گویند و می‌نویسند و می‌اندیشند؛ گونه‌ای ویژه‌گرایی که راه را بر گشودگی اندیشه بسته و گاه هر گزاف‌کاری و گفتار شگفت و نازکی را استوده و بدان دستور می‌دهد - آن‌سان که گاه زبان فنی فلسفی، فلسفه را دانشی رازگونه می‌گرداند و در دستان گروهک‌های رازوار^۸.

جیمز از این گفتار برآیند گام‌سنگی می‌گیرد که برای خوانندگان نوشته‌های او آشنا است؛ چرا که خود او در نوشتن به گفتار بسیار از آن سود می‌برد. وی بر آن است که فیلسوف نیازی ندارد که ریزه‌کاری‌های فنی کار خود را بازگو کند. او باید در پی بازگویی برآیندهای اندیشیدن خویش باشد نه فرایند بلند و خسته‌کننده‌ی برهان. شگ‌دها هرچند بزرگ و گران باشند، باز، این برآیند است که گران‌سنگ‌تر است. این که فلسفه راه را نهال آموزش دهیم که دل‌بستگی به شگردهای کاری بر دل‌بستگی به برآیندها بچربد بی‌گمان سخنی ویرانگر است (جیمز ۱۹۰۹: ۲۳۸).

به باور جیمز، برای نافیلسوفان و شاید دانش‌ریان فلسفه، برآیند برهان مهم است نه فرایند برهان‌آوری. شاید کمتر کسی به برهان‌آوری‌های فیلسوفان بنگرد. آنچه ارزنده است برآیند اندیشه‌ی آنان است. جیمز گاهی آن‌سوتر هم می‌نهد: به باور وی، فیلسوف برهان‌آوری فلسفی، چون همراه با دیرباوری و گمانمندی در اندیشه‌های پذیرفته‌شده است. رفت و برگشت‌های دیالکتیکی و ستیزه‌ها دارد، بسیاری از مردمان از آن بیزارند.^۹

از دیگر سو، جیمز می‌پذیرد که فلسفه باید گویای حقیقت و جویای آن باشد. این است که هر حقیقتی را نمی‌توان فلسفی دانست. ای بسا با گمانه‌زنی یا بینش درونی به حقیقت دست یابیم ولی ناماندی فلسفه با دیگر رویکردهای حقیقت‌یابی در آن است که

فلسفه حقیقتی را می‌گوید که برهان دارد. برهان‌ها و نه پنداشت‌ها باید در جای خود نهاده شوند. مردمان کوچه و بازار باورهای خود را به ارث گرفته‌اند. آنان نمی‌دانند چگونه او چرا چنین یا چنان باوری راست است (جیمز ۱۹۰۹: ۶۳۶).

راه سازگار کردن این دو دیدگاه آن است که نخست برآیندها را بسامان بازگفت. سپس تر راه را به کسانی نشان داد که می‌خواهند ریزه‌کاری‌ها را دریابند. این همان کاری است که کوشیده شده در این نوشتار، در بازخوانی اندیشه‌های پیترز، به خوانندگان فلسفه‌ی تربیت و فلسفه‌ی سیاسی

در ایران پیشکش شود. بازخوانی این اندیشه‌ها نه یک بررسی تاریخی؛ که واکاوی سامانمند و گفتگویی^{۱۱} است که با واری نویسته‌های گوناگون پیترز به شیوه‌های جدا و همبر، با نگاه به سنجش‌ها و کاستی‌های آشکارشده در نوشته‌ها و با جستجو در نوشته‌های دوستان پیترز در آن زمانه و زمینه، می‌کوشد تا با آزمون و برجسته ساختن اندیشه‌های او، گزارشی نو از دیدگاه‌های او به دست دهد - گزارشی که پاسخی به پرسش‌های ما باشد.

به هر روی؛ آنچه پیش روی دارید کاری است برای دوستان فلسفه در ایران. باشد که چونان ره‌آوردی، پذیرفته‌ی همگان گردد؛ و نکته‌سنجان با یادآوری کاستی‌ها، در راه بهبود آن یاری‌رسان ما گردند.

کیوان بلندهمتان
دانشگاه کردستان
پاییز ۱۳۹۶

پی‌نوشت‌ها

۱. گویند دین‌شناسی نکته‌سنج، برای پی‌هیز از کشمکش دینی، همواره سخن در پرده می‌گفت. روزی از او درباره‌ی جانشین پیامبر پرسیدند: «و ی تردستانه در پاسخ گفت که «مَنْ بَنَتْهُ فِي بَيْتِهِ»!
۲. این گفتاورد را جیمز (۱۹۰۹: ۶۳۲) از منطق دیالکتیک هگل (بند ۱۹۴) آورده است.
۳. هم از این رو بود که حکیمان مسلمان گزارش دادند فلسفه می‌گفتند: صَيُورَةُ الْإِنْسَانِ عَالِمًا عَقْلِيًّا مُضَاهِيًا لِلْعَالَمِ الْعَقْلِيِّ.

4. first whence 5. last whither
۶. این گفتار جیمز (۱۹۱۱: ۹۸۶)، تنها برای روشننگری آورده شده و برگرد، بی‌گمان، پاره‌ای از فیلسوفان واکاونده با آن همدل نیستند.

۷. جیمز (۱۹۰۹: ۶۳۷) این گفتار را از گروت (John Grote)، استاد فلسفه در کمبریج آورده است.
8. esoteric

۹. برای بررسی بیشتر، نک. جیمز (۱۹۰۹) برگه‌ی ۶۳۸.
۱۰. برای بررسی بیشتر، نک. جیمز (۱۹۰۷) برگه‌ی ۴۸۸.
۱۱. جداسازی بررسی‌های سامانمند و گفتگویی (systematic and dialectical) از رویکردی که تنها گزارش تاریخی (historical) می‌دهد از شفلر (۱۹۶۴: ۶۸) است. شفلر تنها از شیوه‌ی تک و جدا در بررسی یک نوشته‌ی یک اندیشمند و سنجش و نشان دادن کاستی‌های آن بهره گرفته ولی در این نوشتار، بررسی سامانمند و گفتگویی گسترده‌تر به کار گرفته شده است. در کنار شیوه‌ی تک و جدا، شیوه‌ی همبر (مقاطع)؛ و در کنار سنجش، نوشته‌های دیگر فیلسوفان هم‌زمان و هم‌زمینه‌ی او نیز کاویده شده است.